

زمان شناسی سوره حمد

دکتر جعفر نکونام

استادیار دانشگاه قم

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی اراک

چکیده

مهمترین نظریه‌ای که تاکنون درباره ترتیب و زمان نزول سوره حمد اظهار شده، این است که آن اولین سوره کاملی است که بر پیامبر اسلام ﷺ نزول یافته است. در این مقاله تلاش می‌شود، ادعای جدیدی اظهار و با شواهدی تأیید شود و آن عبارت از این است که این سوره نه تنها اولین سوره کامل که به طور مطلق اولین واحد نزول قرآن کریم است، برجسته‌ترین شواهد این ادعا، ظاهر آیات سوره علق و پاره‌ای از روایاتی است که درباره نزول سوره حمد وارد شده است.

کلید واژه‌ها: سوره حمد، سوره علق، اولین سوره.

۱. مقدمه

از دیر باز در این زمینه که آیا پنج آیه نخست سوره علق در آغاز رسالت پیامبر اسلام (ص) نازل شده‌ای سوره حمد، اختلاف نظر وجود داشته است. برخی در

صدد جمع میان این دو قول برآمده و گفته‌اند: اولین آیات نازل شده، پنج آیه سوره علق است و نخستین سوره کاملی که نزول یافته، سوره حمد است؛ یعنی پس از آنکه پنج آیه سوره علق نازل شد، سوره حمد نزول یافته است. مع الوصف نزول پنج آیه نخست علق در آغاز بعثت پیامبر (ص) مقبول به نظر نمی‌رسید. از جمع بندی آیات و روایات چنین برمی‌آید که به طور مطلق اولین سوره منزل، سوره حمد بوده است.

۲. ادله نزول سوره حمد در آغاز بعثت

مهم‌ترین ادله‌ای که بر تقدم سوره حمد بر پنج آیه سوره علق وجود دارد، به قراری است که در پی می‌آید.

۲.۱. روایات آغاز وحی

با جمع بندی روایاتی که از پی می‌آید، باید گفت که جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ با فرمان «بخوان» در آغاز وحی به قرائت سوره حمد دستور داده است:

- عبید بن عمیر بن قتاده لیشی (ت قبل ۷۳ق) گوید:

... ماه آن سالی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن مبعوث شد، ماه رمضان بود. فرستاده خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنانکه [در سالهای پیش] به جوار حراء می‌رفت، [در این سال نیز] با اهلیش به [جوار] حراء رفته بود. در شبی که خدا او را در آن با رسالت کرامتش داد و [بدینوسیله] به بندگان مهر ورزید، جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ به فرمان خدا به نزدش آمد. فرستاده خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «او در حالی که من خواب بودم، پارچه‌ای از ابریشم را که در آن نوشته‌ای بود، به نزدم آورد و گفت: بخوان! من گفتم: چه بخوانم؟ او مرا به هم فشرد؛ طوری که مرگ را احساس کردم؛ سپس مرا رها کرد و گفت: بخوان! گفتم: چه بخوانم؟ - من این را جز برای رهایی از او نمی‌گفتم. مبادا همان کاری را که با من کرد، تکرار کند - او گفت: و بخوان با نام پروردگارت که آفرید ...^۱؛ آنگاه من آن را خواندم؛ سپس آن پایان پذیرفت؛ زان پس او از نزد من بازگشت و من از خوابم برخاستم؛ در حالی که گویا نوشته‌ای در دلم ثبت شده بود.^۲

در این روایت احتمالاً مراد از آن نوشته، چنانکه از روایات زیر برمی آید، سوره حمد بوده است.

- ضحاک (ت بعد ۱۰۰ ق) گوید:

عبدالله بن عباس (۳ ق هـ - ۶۸ ق) گفت: نخستین چیزی که جبرئیل علیه السلام بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد، این بود که گفت: ای محمد بگو: استعید بالسمیع العلیم من الشیطان الرجیم؛ سپس گفت: بگو: بسم الله الرحمن الرحیم؛ پس از آن گفت: بخوان به نام پروردگارت که آفرید. عبدالله گفت: آن نخستین سوره‌ای بود که خدا آن را به زبان جبرئیل علیه السلام بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد.^۳

- همو افزود:

ابن عباس گفت: جبرئیل علیه السلام به محمد صلی الله علیه و آله گفت: ای محمد بگو: «الحمد لله رب العالمین...»^۴.

- یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار^۵ هر یک از پدرشان حدیث کرده، گویند: امام هادی علیه السلام از پدرانش حدیث کرده، فرمود: علی علیه السلام فرمود:

وقتی خدای عزوجل پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد، فرمود: ای محمد!... بگو: «الحمد لله رب العالمین»^۶.

- و همان حضرت افزود: علی علیه السلام فرمود:

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سالگی را تمام کرد... جبرئیل علیه السلام... به سوی آن حضرت فرود آمد و بازویش را گرفت و گفت: ای محمد! بخوان! پرسید: چه بخوانم؟ پاسخ داد: ای محمد! بخوان با نام پروردگارت که آفرید... سپس آنچه را پروردگارش به او وحی کرده بود، به آن حضرت وحی کرد...^۷

از دو روایت مذکور، یعنی روایت ابن عباس و امام هادی علیه السلام چنین برمی آید که سخن جبرئیل علیه السلام خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با آغاز سوره علق خلط شده است. واقع امر چنین بوده است که جبرئیل علیه السلام در آغاز وحی به آن حضرت فرموده است که سوره حمد را قرائت کند؛ اما تصور شده است که او آغاز سوره

علق را بر آن حضرت قرائت کرده است.

راوی دیگری به نام ابومیسره^۸ (ت ۶۳ ق) در زمینه نزول سوره حمد در آغاز

وحی گوید:

پیامبر ﷺ نخست که مبعوث شد، به او خطاب می شد: «یا محمد!»؛ ولی چیزی نمی دید. وقتی آن صدا را می شنید، از آن می گریخت؛ آن را به خدیجه دخت خویند باز گفت و افزود: من بیم دارم که امری بر من عارض شده باشد. او عرض کرد: آن چیست؟ فرمود: هرگاه تنها می شوم، فراخوانده می شوم؛ ولی چیزی نمی بینم. من بیم دارم. او عرض کرد: خدا به تو بد نمی کند؛ زیرا تو سخن راست می گویی و صلۀ رحم بجا می آری و امانت را ادا می کنی؛ سپس خدیجه به ابوبکر صدیق گفت: یا محمد به سوی ورقه بن نوفل که کتابها را می خواند، برو و آنچه را که او می شنود، به او بازگو؛ آنگاه آن دو به نزد ورقه رفته و پیامبر ﷺ به او فرمود: من وقتی تنها می شوم، خوانده می شوم: «یا محمد» و صدایی می شنوم؛ ولی چیزی نمی بینم. ورقه به او عرض کرد: مهم نیست. هرگاه خوانده شدی، درنگ کن تا آنچه را که به تو گفته می شود، بشنوی.

زان پس او درنگ کرد. آنگاه [جبرئیل علیه السلام] به او گفت: بگو: «بسم الله الرحمن الرحیم». او هم آن را گفت، و او آن را سه بار بر آن حضرت تکرار کرد؛ سپس گفت: بگو: «الحمد لله رب العالمین» سه بار تا آنکه آن را به پایان برد...^۹

واحدی (ت ۴۶۸ ق) در ذیل این حدیث گوید: «و این سخن علی بن ابی طالب علیه السلام است»^{۱۰}. در روایت ترتیب نزولی که سعید بن مسیب از علی علیه السلام آورده، سوره حمد در آغاز آمده است.

۲.۲. روایات اقامۀ نماز در آغاز بعثت

پاره ای از روایاتی که دلالت بر تقدم نزول سوره حمد بر سوره علق دارد روایات مربوط به اقامۀ نماز از سوی پیامبر اسلام در آغاز بعثت است.

به گواهی روایات، در روز نخست بعثت جبرئیل به پیامبر وضو و نماز را

آموخت و آن حضرت در همان روز نماز گزارد^{۱۱} و هیچ روایتی دال بر اینکه آن حضرت نماز بدون سوره فاتحه گزارده باشد، به ما نرسیده، و بعید است که او در این مدت طولانی نماز بدون سوره فاتحه گزارده باشد، ولی هیچ روایتی درباره آن به ما نرسد.

این روایات به انضمام مضمون سوره علق که در آن از نماز گزاردن پیامبر اسلام قبل از نزول سوره علق سخن رفته است، روشن می سازد که سوره حمد قبل از سوره علق نازل شده است. شرح این معنا ذیل عنوان بعدی می آید.

۲.۳. ظاهر آیه نخست علق

درباره مفعول اقرأ در آیه «اقرأ باسم ربك» سه نظر وجود دارد:

۱- «اسم ربك»: برخی از مفسران مانند طبرسی (۴۶۹-۵۴۸ ق) «باء» را در «باسم ربك» مانند باء در «فسبح باسم ربك»^{۱۲} زائد گرفته، و «اقرأ» را به معنای «اذکر» یا «ادع» دانسته، و مفعول آن را «اسم ربك» شمرده اند^{۱۳}؛ اما این نظر مردود است؛ زیرا:

اولاً در هیچ جای قرآن، مفعول «اقرأ» با «باء» همراه نیامده است و آن را با «سبح» نمی توان قیاس کرد؛ زیرا مفعول آن به هر دو صورت، با «باء» و بدون «باء» بکار رفته است^{۱۴}.

ثانیاً «اقرأ» را به معنای «اذکر» یا «ادع» گرفتن با معنای لغوی آن بیگانه بوده و در هیچ جای قرآن بدان معانی بکار نرفته است.

ثالثاً آن معانی با روایات تفسیری مربوط به آیه ناسازگار است؛ زیرا در آن روایات آمده است که پیامبر ﷺ در برابر فرمان «اقرأ» جبرئیل علیه السلام گفت: «ما أنا بقاری» و بدیهی است که مراد پیامبر ﷺ از این سخن آن نبوده که من نمی توانم نام پروردگار را یاد کنم یا بخوانم^{۱۵}؛ چون او همواره نامش را یاد می کرده و می خوانده است. بلکه مراد آن بوده است که خواندن از روی نوشته را نمی دانم.

۲- «مایوحی الیک»: بسیاری از مفسران مانند فخر رازی و طباطبائی کلمه

یا جمله مقدری نظیر «القرآن» یا «مایوحی الیک» را مفعول «اقرأ» دانسته و «باء» را در «باسم ربک» بآء ملامسه گرفته‌اند.

علامه طباطبائی گوید:

مراد از «اقرأ» فرمان فراگیری آن آیاتی از قرآن است که فرشته وحی به پیامبر ﷺ وحی می‌کند، و این جمله فرمان قرائت کتاب است؛ اما خود بخشی از کتاب است؛ مانند سخن کسی که در آغاز نامه‌اش به آنکه آن را برایش فرستاده، گوید: «این نامه‌ام را بخوان و بدان عمل کن». این سخن او فرمان قرائت نامه است؛ اما خود بخشی از نامه است.^{۱۶}

این نظر در قرآن مؤیداتی نیز دارد:

اولاً مفعول قرائت در قرآن نیز لفظ «القرآن» یا «الکتاب» آمده است؛ مانند: «اذا قرأت القرآن فاستعذ بالله»^{۱۷} و «فستل للذین یقرؤن الکتاب من قبلک»^{۱۸}.

ثانیاً در قرآن آمده است: «فاذا قرأناه فاتبع قرآنه»^{۱۹} و «لا تعجل بالقرآن من قبل أن یقضی الیک وحیه»^{۲۰}. از این دو آیه برمی‌آید که جبرئیل علیه السلام به پیامبر ﷺ فرمان داده است که آیاتی را که به او وحی می‌کند، پس از پایان وحی آنها را قرائت کند.

این نظر نیز سست است؛ زیرا:

اولاً از ظاهر آیات سوره علق بر نمی‌آید که مفعول «اقرأ» خود آن آیات باشد، و آن را با نامه‌ای که در صدر آن تصریح شده است که این نوشته را بخوان نمی‌توان قیاس کرد؛ بنابراین، نظر فوق با ظاهر آیات سوره علق موافق نیست. ظاهر این آیات نشان می‌دهد که چیزی خواندنی قبل از نزول این آیات نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده است و گرنه چنین خطابی بی‌معنا بود.

ثانیاً آیات نخست سوره علق صلاحیت نخستین تعلیم الهی بودن را ندارد؛ زیرا در آن آیات، جز فرمان «اقرأ» و اوصاف «رب» مطلب دیگری ملاحظه نمی‌شود؛ در حالی که سزااست، در نخستین تعلیم، امهات تعالیم الهی نظیر آنچه در سوره حمد است، وجود داشته باشد.

۳- «سوره حمد»: به احتمال قوی، مفعول «اقرأ»، سوره حمد بوده و در سوره علق به پیامبر اسلام ﷺ دستور داده شده است که از آزارهای مشرکان بپیم به خود راه مده و نماز را برپا دار و در آن با قرائت سوره حمد به ستایش خدای یکتا بپرداز.

مؤیدات این احتمال عبارت است از اینکه:

اولاً ظاهر آیات سوره علق آن را تأیید می‌کند؛ زیرا ظاهر آیات این سوره حکم می‌کند به اینکه مفعول «اقرأ» چیزی غیر از آیات آن است؛ چون معنا ندارد، در حالی که هیچ چیز خواندنی نزد رسول خدا ﷺ نهاده نشده، به او فرمان داده شود: بخوان!

ثانیاً آغاز سوره علق نظیر آغاز سوره مزمل است. در آیات آغاز این سوره نیز با فرمان «بخوان» دستور به برپایی نماز داده شده است:

يا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ • قم الَّيْلَ الْأَقْلِيْلَ • نصفه او انقص منه قليلاً • او زد عليه و رتل القرآن ترتيلاً^{۲۱}؛ ای جامه به خود پیچیده، به پا خیز شب را مگر اندکی؛ نیمی از شب یا اندکی از آن بکاه؛ یا بر آن [صف] بیفزای و قرآن را شمرده، بخوان.

علامه طباطبایی مراد از «قم الَّيْل» را برخاستن در شب به منظور برپایی نماز دانسته و در زمینه «و رتل القرآن ترتيلاً» می‌نویسد: ظاهر آیه نشان می‌دهد که مراد، خواندن قرآن در نماز است یا مراد، خود نماز است.

خدای سبحان در این آیه نیز از برپایی نماز به خواندن تعبیر کرده است: «اقم الصلاة لدلوك الشمس الى غسق الَّيْل و قرآن الفجر انّ قرآن الفجر كان مشهوداً^{۲۲}؛ نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار و [تیز] نماز صبح را؛ زیرا نماز صبح همواره حضور است.^{۲۳}»

ثالثاً در آیات ۹-۱۹ سوره علق سخن از کسی رفته است که پیامبر ﷺ را از نماز باز می‌داشته و رسالت او دروغ می‌شمرده است. در این حال خداوند او را بیم می‌دهد که اگر از این کار باز نایستد، خوارش می‌سازد و به آن حضرت

می فرماید که از او فرمان مبر و در پایان همان سخنی را که در آغاز سوره فرموده بود، به تعبیری دیگر باز فرمود که «و اسجد و اقترب»^{۲۴}؛ سجده کن و خود را [به خدا] نزدیک کن».

علامه طباطبایی می نویسد:

«لا تطعه» یعنی او را در نهی از نماز فرمان مبر و این قرینه ای است بر اینکه مراد از «و اسجد» نماز است^{۲۵}.

از این آیات چنین حاصل می شود که پیامبر قبل نزول سوره علق نماز برپای می داشت و حتی به رسالت مبعوث بوده است^{۲۶}. چنانکه پیشتر آمد، هیچ نمازی در اسلام بدون سوره حمد نقل نشده است؛ بنابراین باید سوره حمد قبل از سوره علق نازل شده باشد.

پی نوشت ها

۱. علق ۱-۵.
۲. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ الطبری، پیشین ۱: ۵۳۲ و عبدالرحمن سهیلی؛ الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، ج ۷، بی جا، القاهرة، دارالکتب الحدیثه ۱۳۸۷ ق، ص ۳۸۱.
۳. محمد بن جریر طبری؛ جامع البیان، پیشین ۱: ۷۷.
۴. همان ۱: ۸۹ و ۹۲ و ۹۹ و ۱۰۱ و ۱۰۵.
۵. آندو از اصحاب امام هادی علیه السلام و امامی مذهب بودند، و بعید نیست که سیار مصحف زیاد بوده و آندو برادر باشند. علی بن محمد بن زیاد صیمری (ت ۲۸۱ ق) از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود (ابوالقاسم خوئی؛ معجم رجال الحدیث، پیشین).
۶. امام حسن عسکری علیه السلام؛ پیشین ۳۰ و ۳۳ و عبدعلی حویزی؛ پیشین ۱: ۱۹۱.
۷. امام حسن عسکری علیه السلام؛ پیشین ۱۵۷.
۸. عمر و بن شر حبیل همدانی ابومیسره کوفی، موثق و مخضرم بود (احمد بن علی بن حجر؛ تقریب التهذیب، پیشین).
۹. احمد بن یحیی بلاذری؛ پیشین ۱: ۱۰۵-۱۰۶ و علی بن احمد واحدی؛ پیشین ۱۱.
۱۰. علی بن احمد واحدی؛ پیشین.
۱۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۹.
۱۲. واقعه ۷۴.

۱۳. فضل بن حسن طبرسی؛ پیشین ۵-۶: ۷۸۰ و محمد بن عمر فخر رازی؛ التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ط ۳، قم، مکتب الاعلام الاسلامی ۱۴۱۱ ق، ص ۱۳.
۱۴. علی
۱۵. محمد بن عمر فخر رازی؛ پیشین ۳۲: ۱۳.
۱۶. محمد بن حسین طباطبائی؛ المیزان، پیشین ۲۰: ۳۲۳.
۱۷. نحل ۹۸.
۱۸. یونس ۹۴.
۱۹. قیامه ۱۸.
۲۰. طه ۱۱۴.
۲۱. سوره مزمل، آیات ۱-۴.
۲۲. اسراء، آیه ۷۸.
۲۳. طباطبائی؛ المیزان، سوره مزمل، ذیل آیات ۱-۴.
۲۴. سوره علق، آیه ۱۹.
۲۵. طباطبائی، پیشین، سوره علق، ذیل آیه ۱۹.
۲۶. ر.ک. همان، ذیل آیات ۹-۱۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی